



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱ اسفند ۱۳۹۰  
مصادف با: ۲۷ ربیع الاول ۱۴۳۳  
جلسه: ۲۲

موضوع کلی: اعجاز قرآن  
موضوع جزئی: جاودانگی اعجاز قرآن  
سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در جاودانگی اعجاز قرآن بود، عرض کردیم آیاتی از قرآن بر جاودانگی اعجاز قرآن دلالت می‌کند که یک آیه را در جلسه گذشته مورد بررسی قرار دادیم.

### آیه دوم:

آیه شریفه: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا»؛ بگو: اگر انسانها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را (در این کار) کمک کنند. ما این آیه را قبلاً هم در بحث از تحدی به کل قرآن ذکر کردیم، این آیه دلالت می‌کرد بر اینکه خداوند متعال به کل قرآن تحدی کرده و می‌گوید اگر می‌توانید کتابی مثل قرآن بیاورید، ذکر این آیه در این مقام از این جهت است که علاوه بر تحدی به کل قرآن دلالت بر جاودانگی اعجاز قرآن می‌کند، اما اینکه چگونه این آیه بر جاودانگی اعجاز قرآن دلالت می‌کند به این خاطر است که خداوند تبارک و تعالی در آیه می‌فرماید: «لِإِنْ اجْتَمَعَتِ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ»؛ اگر جن و انس جمع شوند نمی‌توانند کتابی مثل قرآن بیاورند، جن و انس اسم جنس هستند که شامل هر فرد و مصداقی که این عناوین بر آن منطبق شوند می‌شود اعم از اینکه قبل از زمان نزول قرآن موجود شده باشند یا در زمان نزول و یا بعداً الی یوم القيامة متولد شوند پس کل ما یصدق علیه جن و انس اگر جمع شوند نمی‌توانند کتابی مثل قرآن بیاورند که شامل همه انسانها و آنچه بشود، بنابراین، این آیه شریفه بر جاودانگی اعجاز قرآن دلالت می‌کند و الی یوم القيامة کسی نمی‌تواند مثل قرآن بیاورد و ما قبلاً هم گفتیم که اعجاز قرآن به معنای ناتوانی دیگران از آوردن کتاب یا سوره‌ای مثل قرآن است.

### آیه سوم:

آیه شریفه: «الر، كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»؛ الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکی‌ها (تاریکی‌های شرک و ظلم و جهل)، به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی)، بفرمان پروردگارشان در آوری، بسوی راه خداوند عزیز و حمید، خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: قرآن کتابی است که ما بر تو نازل کردیم تا به وسیله آن کتاب مردم از ظلمات به سوی نور هدایت شوند، بر اساس این آیه شریفه کتاب به عنوان سبب خروج مردم از ظلمت به نور معرفی شده است و «الناس» که در آیه شریفه آمده است شامل همه مردم می‌-

۱. ابراهیم/۸۸.  
۲. ابراهیم/۱.

شود؛ یعنی کتاب، سبب خروج ناس از ظلمت به نور و هدایت است، اگر کتاب علت خروج از ظلمت باشد و مراد هم خروج مردم باشد ملازم است با جاودانگی اعجاز قرآن؛ چون کتابی که کتاب هدایت است و می‌خواهد مردم را از تاریکی و ظلمت به سوی نور هدایت و راهنمایی کند در صورتی می‌تواند این کار را بکند که برای همه زمان‌ها باشد، اگر فرض کنید کتابی سببیت برای خروج از ظلمت و تاریکی داشت ولی مختص به یک زمان و مردم یک عصر باشد صحیح نیست که گفته شود این کتاب برای خروج همه مردم از ظلمت به سوی نور و هدایت است پس متفاهم از این آیه است که همه انسان‌ها در همه زمان‌ها به وسیله این کتاب هدایت می‌شوند و این جز این نیست که در همه اعصار این اتفاق می‌افتد و این به معنای خلود و جاودانگی اعجاز قرآن است.

آیات دیگری هم در قرآن وجود دارد که با تمسک به آن آیات هم می‌شود جاودانگی اعجاز قرآن را ثابت کرد، پس مسلماً قرآن معجزه است و در خود قرآن با لسان تحدی به این اعجاز اشاره شده و همچنین آیاتی در خود قرآن وجود دارد که بر جاودانه بودن اعجاز قرآن دلالت می‌کند.

**سؤال:** آنچه ذکر شد دلالت آیات قرآن بر اعجاز و جاودانگی اعجاز قرآن بود آیا دلیلی غیر از آیات قرآن وجود دارد که اعجاز قرآن و جاودانگی آن را ثابت کند یا خیر؟

**استاد:** اصل ضرورت معجزه؛ یعنی انجام یک کار خارق عادت و فوق طبیعت به دلیل عقلی برای هر پیامبری ثابت شده است که به طور مفصل در علم کلام به این بحث‌ها پرداخته شده و جهت اطلاع بیشتر می‌توانید به مباحث علم کلام رجوع کنید، ما نمی‌خواهیم تعبداً بگوییم که قرآن معجزه است، گاهی شما می‌گویید برای اصل اعجاز قرآن چه دلیلی دارید و گاهی می‌گویید بر جاودانه بودن اعجاز قرآن چه دلیلی دارید؟ این دو موضوع گرچه به هم پیوسته است اما مستقل از یکدیگر هستند، دلیل بر اصل اعجاز قرآن از بخشی از آیات قرآن استفاده می‌شود، بالاخره این مسئله قابل توجه است که قرآن مشتمل بر علوم، معارف، قصص، اخبار از گذشته و آینده، قوانین، احکام، پیام‌های اعتقادی، اخلاقی و غیره است و این کتاب توسط کسی به مردم ارائه شده که امی بوده و اصلاً سواد خواندن و نوشتن بلد نبوده است، پس اعجاز یک کتاب با زنده کردن مردگان و تبدیل عصا به اژدها که معجزه سایر پیامبران بوده فرق می‌کند و درک اعجاز کتاب به سادگی درک اعجاز زنده شدن مرده نیست و فقط کسانی می‌توانند اعجاز آن را درک کنند که با قواعد ادبی، فصاحت و بلاغت آشنا باشند و این افراد اگر حتی آیات دال بر اعجاز قرآن هم نباشد اعجاز قرآن را درک می‌کردند و برای مردم آن زمان عجیب به نظر می‌رسید و دور از ذهن بود که در محیطی که فصاحت و بلاغت و شعر در اوج بود شخصی (پیامبر(ص)) که نه یک خط شعر گفته و نه سواد خواندن و نوشتن بلد است کتابی را بیاورد که مملو از معارف و فصاحت و بلاغت است لذا بعضی اشخاص وقتی آیات قرآن را از پیامبر(ص) می‌شنیدند می‌گفتند این سخنان از خود محمد(ص) نیست بلکه زمانی که برای تجارت به شام سفر کرده بود این سخنان را از راهبان مسیحی شام شنیده است و باور نمی‌کردند که پیامبر(ص) خودش بتواند آن سخنان را بگوید، بعضی دیگر می‌گفتند این مطالب را محمد(ص) از سلمان فارسی یاد گرفته است در حالی که سلمان در مدینه مسلمان شده بود و

کثیری از آیات قرآن در مکه نازل شده که اصلاً سلمان فارسی در آن زمان نبوده است، بهرحال در بعضی از آیات قرآن تحدی به شخص پیامبر(ص) شده که پیامبر(ص) کسی است که امی است و سابقه تعلیم و تعلم نداشته اما گاهی از اوقات مطالبی را بیان می‌کند که فوق سطح عقول مردم آن زمان بوده هم از نظر ظاهر و هم از نظر محتوی، پس صرف نظر از اینکه خود آیات قرآن بر اعجاز قرآن دلالت دارد می‌گوییم اینکه پیامبری امی و درس نخوانده قرآن را آورده است دلیل دیگری بر اعجاز آن است.

### تحدی به شخص پیامبر(ص):

یکی از آیاتی که دال بر اعجاز قرآن است آیه شریفه: «وَ لَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ»<sup>۱</sup> می‌باشد که خداوند متعال می‌فرماید: ما می‌دانیم که آنها می‌گویند: «این آیات را انسانی به او تعلیم می‌دهد!» در حالی که زبان کسی که اینها را به او نسبت می‌دهند عجمی است؛ ولی این (قرآن)، زبان عربی آشکار است.

آیه دیگری که اعجاز قرآن را ثابت می‌کند آیه شریفه: «وَ إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا انْتَ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ»<sup>۲</sup> می‌باشد که خداوند تبارک و تعالی در این آیه شریفه می‌فرماید: و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می‌شود، کسانی که ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز) ندارند می‌گویند: «قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تبدیل کن!» (و آیات نکوهش بتها را بردار) بگو: «من حق ندارم که از پیش خود آن را تغییر دهم؛ فقط از چیزی که بر من وحی می‌شود، پیروی می‌کنم! من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از مجازات روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم! وقتی پیامبر(ص) آیات قرآن را تلاوت می‌کرد از او می‌خواستند که چیزی غیر از قرآن بگو، خدا می‌فرماید: به آنها بگو من نمی‌توانم آیات الهی را از پیش خودم تغییر دهم و من هر چه می‌گویم وحی الهی است و از عذاب خدا می‌ترسم که آنها را تغییر دهم. این آیات دلالت می‌کند که آنچه که پیامبر(ص) برای مردم بیان می‌کرده از جانب خداوند متعال بوده و پیامبر(ص) نمی‌توانسته آنها را تغییر دهد و خود این وجهی از اعجاز است که شخص امی درس نخوانده‌ای این سخنان را بگوید.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. نحل/۱۰۳.  
۲. یونس/۱۵.